

روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۵ مناظره‌ای بین آیت الله هاشمی رفسنجانی (رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام) و شیخ یوسف القرضاوی در شبکه الجزیره برگزار شد که در نوع خودش کم سابقه و حائز اهمیت بود.

اینک هر دو روحانی که شخصیت‌هایی بسیار سرشناس بوده اند، دنیا را وداع گفته و به دیاب باقی شتافتند اند، اما هنوز محورهای مهمی از آن مناظره زنده و موضوع بحث مسلمانان است. مناظره و گفت و گویی که جهان اسلام به امثال آن بسیار نیازمند است.

آن زمان، این مناظره بازتاب وسیعی در رسانه‌های عرب و ایران داشت. از نظر زمانی، زمانی بود که آتش اختلافات فرقه‌ای در منطقه غرب آسیا به ویژه عراق شعلهور شده بود و شاخه ابومصعب الزرقاوی گروه القاعده دست به اقدامات مکرر تروریستی می‌زد. در این گفت‌وگوی زنده، مسائل مختلفی نظیر حقوق اقلیت‌های مذهبی در کشورهای اسلامی، تروریسم و تکفیر و موانع وحدت اسلامی از سوی طرفین مطرح و مورد بحث قرار گرفت.

زمانی که این مناظره صورت می‌گرفت تفکرات تکفیری قرضاوی (هر چند پس از مرگش) در حال نضج گرفتن و قوی شدن بوده تفکراتی که چند سال بعد از دل آن یکی از بزرگترین بحران‌های جهانی یعنی گروه تروریستی تکفیری «داعش» زاییده شد. علیرغم گذشت ۱۶ سال از آن گفت‌وگو، هنوز مباحث مطرح شده قابل تامل است. شفقنا متن این مناظره را که آن زمان در رسانه‌های ایران بازتاب یافته بازنشر کرده است:

مجری: جناب آقای هاشمی حضور شما را در این گفت‌وگوی ویژه خوش آمد می‌گوییم، و منتظر شنیدن سخنانتان هستیم، بفرمایید.

هاشمی: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمدلله والصله والسلام علی آله و صحبه، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، و اعتصما بحبل الله جميعا و لا تفرقا.

من باید از شبکه تلویزیونی الجزیره و همچنین از شخص جناب آقای قرضاوی که این برنامه را در راستای پاسداری از وحدت اسلامی ترتیب داده‌اند، صمیمانه تشکر کنم، می‌دانم که اتحاد جهانی علمای مسلمین برای وحدت مسلمین اهتمام شایانی دارد، و تلاش بسیاری را برای بستر سازی و فراهم کردن امکانات برای اجزای این گفتگو به عمل آورده است، از خداوند مسئلت دارم که خیر و برکت این دیدار را شامل حال ائت اسلامی بگرداند.

همه ما می‌دانیم که یکی از بنیان‌ها و مبانی عمومی جهت گسترش اسلام، پاسداری از وحدت است، و چنانچه این وحدت تحقق پیدا کند، خیر و برکت فراگیر شامل حال تمامی مسلمانان خواهد گردید و همه در آن سهیم خواهند بود. پس از پیروزی انقلاب ما تمامی تلاش‌های خویش را در جهت توانمندی صفوف و نزدیکتر شدن مذاهب بکار گرفتیم. البته این راهی بود که مرحوم آیه الله بروجردی و علامه شیخ محمد عبده و همچنین مؤسسه دار التقریب پایه‌های آن را بنیان نهادند. ما نیز بعد از پیروزی انقلاب هفتۀ وحدت اسلامی را مطرح کردیم، و این راه را ادامه دادیم.

بنیانگذار جمهوری اسلامی و همچنین آیه‌ه الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی همان راه را به صورت جدی و با پشتکار در پیش گرفتند و در این ارتباط پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های بسیاری را بدست آوردیم و تعداد زیادی از علما در کنفرانس‌ها حضور پیدا کردند، که می‌توان از جناب آقای شیخ قرضاوی نام برد. همچنین تعداد زیادی از علمای مصر، تونس، مراکش، عراق، سوریه، عربستان سعودی و تمامی کشورهای اسلامی حضور داشته‌اند.

ما میوهٔ آن تلاش‌ها را دیدیم و به یكدیگر نزدیک شدیم و از خداوند می‌خواهم که ما را در تقویت و پاسداری از این دست آوردها یاری دهد. طبعاً در روزهای اخیر با امواجی از فتنه گری رو به رو بودیم، که شاید از رویدادهای عراق ناشی شده باشند، و شاید در رویدادهای دیگری مانند آنچه در افغانستان و لبنان پیش آمده بی‌ارتباط نباشند.

تمامی آن فتنه‌ها ناشی از تلاش‌های دشمن که امواجی تازه از فتنه برانگیزی را به راه انداخته و پاره‌ای از نگرانی‌ها را سبب شده است، که چیزی نمانده تمامی تلاش‌هایی را که علما در گذشتنه در جهت وحدت به عمل آورده‌اند، ناکام و بی حاصل کند، به امید خداوند ما می‌خواهیم در این برنامه در برابر آن امواج فتنه برانگیز ایجاد مایع کنیم.

من بر این باورم که شکست آمریکا در جهت تحقق و ایجاد خاورمیانهٔ بزرگ که در واقع تلاش برای گسترش سلطه گری خود بر سرزمین‌های مامت، با شکست رو به رو خواهد گردید، وجودشان در منطقه و عراق تا کنون توانسته آنان را به اهدافی که دنبال می‌کردند نزدیک نماید و حجم مشکلات ایشان بیشتر شده است. آنان گمان می‌کنند از طریق گسترش تفرقه در میان صفوف مسلمانان می‌توانند به آن اهداف واقعبیت بیخشند، شکست اسرائیل در جنگی که علیه لبنان به راه انداخت، همچنین پیروزی که مردم فلسطین در انتخابات اخیر و تقویت پایه‌های مقاومت

در تمامی ممالک اسلامی به آن دست یافتند، همهٔ اینها جزو عوامل و اموری بودند که دشمن را به ایجاد تفرقه در بین مسلمانان وادار کردند، و تصمیم گرفته‌اند که به طور جدی به چنین توطئه‌ای دست بزنند، اما ما فرزندان صریح و قرآن نباید فریب بخوریم و همانگونه که در آغاز سخن گفتیم، حکم قرآنی صریح وجود دارد که ما را از گریزی و تفرقه بر حذر می‌دارد: «و لا تنازعو فتغشلاو و تذهب ریحکم» این حکم روشن و صریح قرآنی است، از طرف خداوند به ما امر شده است که از وحدت پاسداری کنیم، همانگونه که می‌فرماید: «لما المؤمنون اخوة» علمای اسلام در برابر مسئولیت‌های بزرگ و به راستی مهمی قرار دارند به ویژه در شرایطی که با مشکلات نوزی رو به رو هستیم و دشمن به دنبال ایجاد تفرقه در لبنان، عراق، افغانستان و دیگر کشورهاست، مشکلاتی که ما در سودان، سومالی و دیگر ممالک با آنها روبرو هستیم. حل و فصل آنها تنها از طریق حفظ وحدت اسلامی ممکن است.

فتنه انگیزی‌ها و تفرقه افکنی‌ها و تحریک احساسات میان شیعیان و سنی‌ها در واقع جزو نفعمهای شیطانی هستند و برماست که در برابر صفوفهای شیطان فریب نخوریم، علما و همچنین مردم ایران از اعماق درون به وحدت اسلامی دل بسته اند و صمیمانه چشم به راه تحقق آن هستند. من می‌دانم که علمای اهل سنت نیز با علمای ما هم دل اند، آنان به دنبال ایجاد تفرق در میان مسلمانان نیستند اما پاره‌ای از آدم‌های نادان وجود دارند که اینجا و آنجا اقدامات مسلم را صورت می‌دهند و سخنانی را مطرح می‌کنند، اما وظیفهٔ خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر از عملکردها و سخنان افراطی‌ها و تندروها عمل کنند، انانی که به مصالح کلیٔ اسلام توجه نمی‌کنند، نباید مورد اهتمام قرار بگیرند، به همین خاطر امیدوارم در این گفتگو که با جناب آقای قرضاوی خواهیم داشت به اسلام و اُمت اسلامی خدمتی بکنیم.

مجری: با تشکر از شما، هم اکنون به دوحه می‌رویم تا سخنان دکتر قرضاوی را بشنویم، جناب شیخ بفرمایید.

دکتر قرضاوی: بسم الله الرحمن الرحيم ، الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام علی سيدنا و امامنا و اسوتنا و حبيبتنا و معلما رسول الله و علی آله و صحبه و من اتبع هدا.

اما بعد، سخنانم را با تشکر از شبکهٔ تلویزیونی الجزیره به خاطر اجابت درخواست اتحاد جهانی علمای مسلمین مبنی بر اجرای این دیدار آغاز می‌کنم، دیداری که از خداوند می‌خواهم از راه آن خیر و منافع‌ای ارزانی بدارد، همچنین به آقای هاشمی رفسنجانی درود و سلام دارم، هشت سال پیش در دیداری که از تهران داشتیم با او ملاقاتی داشتیم و ضمن استقبال گرم از اینجانب یک دوره کتاب تفسیرش را از قرآن به من هدیه دادند.

بر این باورم که اگر از این دیدار به صورت مطلوب استفاده بشود، پیامدهای مطلوبی برای اُمت اسلامی‌به دنبال خواهد داشت، از جناب شیخ رفسنجانی که علاوه بر اینکه روحانی برجسته‌ای است از رهبران سیاسی طراز اَوّل ایران به شمار می‌آید، انتظار دارم که در ارتباط با چهار موضوع محوری که هیئت ارسال به تهران با مسئولین ایران در موردشان به توافق رسیدند سخن بگوید، چهار موضوع اساسی وجود دارند که لازم است در موردشان صحبت کنیم و به صراحت آنها را مورد بررسی قرار بدهیم.

من ضمن سخنرانی در کنفرانس گفتگوی مذاهب که چند هفته پیش در قطر برگزار شد، گفتم که: «بدست اندر کاران تقرب بین مذاهب که نشست‌هایی را ترتیب می‌دهند و سپس برانگند می‌شوند و اقدامی را صورت نمی‌دهند، جدا انتقاد دارم، زیرا از دست بردن در روی نظام و امور حساس و آسیب دیده و رویارویی با مشکلات حقیقی دوری می‌نمایند، بسیاری از آنها گردهم می‌آیند و به تعریف و تمجید و مجامله گویی می‌پردازند و امور مهم را به حال خود رها می‌کنند.

به همین سبب قصد دارم که در این دیدار از اموری سخن بگویم که همگان اعم از شیعه و سنی و عموم مسلمانان از آن شکوه دارند و رنج می‌برند، یکی از آن مسائل مسئلهٔ تفکرات است، کسانی هستند که حکم کفر شیعیان را صادر می‌کنند و کسان دیگری هستندکه اهل سنت را تکفیر می‌کنند، اما ما می‌خواهیم که اسلام محور جمع کننده میان همگان و محور وحدت باشند، وقتی در میان اهل سنت کسانی هستند که شیعیان را تکفیر می‌کنند، در میان شیعیان نیز کسانی هستند که اهل سنت را کافر می‌دانند و شاید ایشان تندتر و بدتر از آن دسته از اهل سنت تکفیری هستند، در میان شیعیان اشخاصی وجود دارند که می‌گویند: خدا و پیامبر و پیشوایان ما جدای از خدا و پیامبر و پیشوایان اهل سنت است، نمی‌خواهم از اشخاص نام ببرم و تنها به شیخ نعمت الله جزایری و شیخ مجلسی صاحب کتاب بحر الانوار اکتفا می‌کنم، نمی‌خواهیم برای تندروها و غلات حساب خاصی را باز کنیم، زیرا اگر پای خدای پای ایدئولوژی قرار بدهیم هیچگاه با یکدیگر کنار نخواهیم آمد، بلکه بر روی اهل اعتدال و میانه روها باید تکیه کرد و امید بست، ما

مناظره هاشمی رفسنجانی و یوسف القرضاوی

مناظره‌ای که همچنان زنده است



مهم ترین محورهای سخنان هاشمی رفسنجانی

– در برخی کشورهای عربی، علمای سنی، فتوای تکفیر شیعیان را صادر می‌کنند؛ حال آنکه در ایران چنین مسائلی بر ضد اهل سنت وجود ندارد و همه در کنار هم با صلح و آرامش و برادری زندگی می‌کنند.

– ما همواره بر وحدت و اتحاد صفوف مسلمانان تأکید کرده‌ایم، در همین راستا هفته وحدت اسلامی را برگزار می‌کنیم و به این راه با جدیت ادامه می‌دهیم و پیشرفت‌های زیادی در این زمینه داشته‌ایم.

– ملت ایران از صمیم دل بر وحدت اسلامی تأکید دارند و در این زمینه کار می‌کنند و می‌دانیم که علمای اسلامی اهل سنت نیز همین خواسته را دارند.

– آمریکا در اجرای طرح خاورمیانه خود در منطقه شکست خورده و اهداف این کشور در تسلط بر منطقه محقق نشده و مشکلات واشنگتن افزایش یافته است، لذا آنها فکر می‌کنند که از طریق تفرقه افکنی می‌توان این اهداف خود را محقق کنند.

– پیروزی حزب الله لبنان و پیروزی فلسطینیان و تقویت وحدت ملی آنها از عواملی بود که اسرائیل را به سوی تفرقه افکنی و توطئه در بین امت اسلامی سوق داد.

– ما بر حفاظت از وحدت امت اسلامی پافشاری کرده ایم و علمای اسلام مسئولیت بزرگی در این زمینه دارند و همه مشکلات جهان اسلام از طریق وحدت اسلامی حل می‌شود.

– استیکبار جهانی از خطرات دیگر بزرگتر است و می‌خواهد بر کشورهای اسلام و منابع آنان تسلط پیدا کند.

– ما قصد تعرض و تعدی به سایر ادیان را نداریم، بلکه می‌خواهیم از اسلام حفاظت و دفاع کنیم.

– استیکبار پشه‌هایی از سرزمین‌های مسلمانان را تصرف کرده است و قصد دارد بر منابع سرزمین‌های اسلامی سیطره پیدا کند. ما مسلمانان نمی‌خواهیم بر ادیان دیگر بتازیم، بلکه می‌خواهیم از خود دفاع کنیم؛ ما باید برای دفاع از هویت اسلامی خود با هم متحد شویم.

مسألهٔ تکفیر از مردود می‌شماریم، همین که همه ما به‌لا اله الا الله و محمد رسول الله) شهادت می‌دهیم، شهادتی که تضمین کنندهٔ احترام و پاسداری از جان و مال انسان مسلمان است و به سوی یک قبیله نماند، می‌خوایم و به وحدت اهل قبیله باور داریم، کالیفی است.

این یک مسأله، مسئلهٔ دیگر این است که اختلافات موجود میان شیعه و اهل سنت را نباید در بین عامهٔ مردم و بر روی منابر مساجد و اجتماعات عمومی مطرح نمود، بلکه اهل علم و تخصص باید به بررسی مسائل اختلافی بپردازند آن هم با تکیه بر اصول علمی و کارشناسی و بدور از تحریک احساسات و تشنج آفرینی و کینه نوزی است و هرگونه تهمت و بهر به گویی از روح محبت و اخوت. موضوع سوّم در رابطه با اصحاب رسول (خداصل) و آل بیت است، هرچند من و تمامی مردم اهل سنت ایمان و یقین داریم در تمام جهان اهل سنت حتی یک نفر هم پیدا نمی‌شود که اهل بیت را دوست نداشته و جایگاهشان را بر روی سر خویش قرار ندهند، کدام اهل سنت است که علی بن ابی طالب همسر بتواند، عموزادهٔ رسول و شمشیر آخته اسلام را دوست نداشته باشد، کیست که حسن و حسین قافله سالار جوانان کشته‌ی، زین العابدین ساجاد، ابو جعفر باقر و جعفر صادق و دیگران را دوست نداشته باشد، چنین کسی در میان اهل سنت وجود ندارد.

اما مسئلهٔ مواضع دواستان شیعی نسبت به اصحاب رسول (خداصل) است، موضوعی که در نهایت اهمیت قرار دارد، من هشت سال پیش هنگام دیدار از تهران، این را به دوستان ایرانی یاد آور شدم و به خاطر دارم در تمامی گردهمایی‌های که در آنها حضور یافته‌ام – از جمله گردهمایی تقرب در رباط(پایتخت مراکش) و بحرین و دمشق – این موضوع را یادآور شده‌ام.

این مسئلهٔ مهم و حساس را یاد آور می‌شوم که امکان ندارد دوستانم را در دوستان شما قرار دهم و احساس کنم که با هم برادریم، زمانی که من می‌گویم: ابوبکر، عمر، عثمان و عایشه رضی الله عنهم، اما شما ایشان را مورد لعن و نفرین قرار بدهید، این غیر ممکن است، به همین خاطر لازم است در این رابطه به توافق برسیم.

بهرتر است که اهل سنت تشیع توجه کنند:ک: اصحاب پیامبر شاگردان و فارغ التحصیلان دانشگاه رسالت و نتیجه و نهال بر زمین نهاده شدهٔ مدرسه تربیتی او بوده اند، اگر ایشان را امّاج تیر اتهامات قرار بدهیم، در واقع استاد و معلم ایشان را مورد اتهام قرار داده‌ایم و این بدین معنی است که او به درستی ایشان را تربیت نموده است، اما سوگند به خداوند که رسول امین در تربیتشان بسیار خوب عمل کرده و بسیار موفق بوده است، و ایشان بهترین و بهترین نسلی‌اند که تاریخ بشری شاهد آن بوده است. این را خداوند در هشت سوره از سوره‌های قرآن یعنی: اعراف، انفال، توبه، نحل، حج، فتح، حشر و حدید گواهی می‌دهد. خداوند به تمام اصحاب سابقین و بعد نسل از ایشان به ویژه سابقین نخستین و حتی کسانی که به خوبی از آنها پیروی کردند، وعدهٔ خیر و رحمت داده، از آنان خشنود گردیده و ایشان نیز از وعده‌های خداوند خشنودند و ایشان را به بهشتی که از زیر درختانش جویبارها جاری است وعده داده است. قرآن و احادیث، ایشان را مورد تعریف و تمجید قرار می‌دهند. از جهت تاریخی نیز آنان بوده اند که قرآن را حفظ و جمع آوری نموده و سنت را برآمزان روایت کرده و پیروزی‌های بزرگ را نصیبمان نمودند و اسلام را در جهان گسترش دادند، چه کسانی که اسلام را به مصر و ایران وارد کردند؟ چه کسانی بودند ایشان را از آتش پرستی رهایی بخشیدند و به یکتا پرستی هدایت کردند؟ این‌ها را همه اصحاب رسول انجام دادند.

نمی‌خواهم در این ارتباط بیشتر سخن بگویم زیرا سخن به درازا می‌کشد و وقت مجال نمی‌دهد، این موضوعی است که لازم است دربارهٔ آن به توافق برسیم، به هرگونه توهمین و کسر شأن و ملامت نسبت به اصحاب رسول خدا باید پایان داده شود. اگر در میان اهل سنت هم کسی وجود داشته باشد که نسبت به اهل بیت بی احترامی کند، باید متوقف شود.

از طرف دیگر معاهده مکه پیش روی ماست، میثاقی که انتظار داشتیم مراجع درجه اَوّل اهل تشیع و علمای اهل سنت حضور می‌یافتند و آن را امضاء می‌کردند، معاهده‌ای که در بر گیرندهٔ هشت اصل و قاعده است، و ضرورت دارد همه ما تمامی آنها را بپذیریم و هیچکس را حق مخالفت با آن نباشد و مینبأ و راهکاری برای ساماندهی به روابط میان شیعیان و اهل سنت باشد. لازم است که آن اصول را فعال و عملیاتی کنیم، تا نتیجهٔ مطلوب را بدهد و در واقعیت حاصلی را در بی داشته باشد، موضوع دیگر رویدادهایی است که …

مجری: جناب شیخ اگر اجازه بدهید در لابه لای پرسش‌ها، به موارد هشت گانهٔ مذکور خواهیم پرداخت.

دکتر قرضاوی: یکی دو دقیقه به من اجازه بدهید تا موضوع دیگری را مطرح کنم، زیرا اینجا در عراق روی می‌دهد، یکی از مهمترین مواردی است که به خاطر آن در این گفتگو شرکت کرده‌ایم، مساله خون‌هایی که روزانه بر زمین ریخته می‌شود،



تقیه آنگونه که دشمنان به آن دامن می‌زنند، نیست؛ تقیه این نیست که هر کس طبق منافعش عمل کند؛ در هر دولت و کشوری مسائل حرمانه وجود دارد و تقیه از جمله است. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره این ادعا که تلاشهایی از سوی ایران برای شیعه کردن اهل سنت انجام می‌شود، خاطر نشان کرد: به نظرم عمل صالح را باید انجام و به دیگران هم یاد داد؛ حق همه است که عمل صالح را به دیگران یاد دهند، ولی اگر منظور این است که این کار با هدف ایجاد فتنه بین مسلمانان صورت می‌گیرد، چنین چیزی درست نیست.

– باید انصاف داشته باشیم وهیچ کس درعراق مداخله نکند و به مردم عراق اجازه دهیم آنگونه که خود می‌خواهند درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرند، زیرا آمریکا و اسرائیل از تفرقه و دودستگی بهره می‌برند.
– گروه‌های تندرو با مأموریت خاصی وارد عراق شده اند تا نگذارند مردم عراق برای خودشان تصمیم بگیرند و آمریکا نیز از اقدامات آنها برای توجیه ادامه حضور در عراق استفاده می‌کند. همه مسلمانان و علمای ایران کشتار مسلمانان در عراق را گناه کبیره می‌دانند؛ ما حتی به قتل آیت الله سید محمد باقر حکیم اشاره نمی‌کنیم، زیرا نمی‌خواهیم به گذشته نگاه کنیم، بلکه به آینده نظر داریم.

– ما اعلام کرده‌ایم که مقاومت حق هم ملت عراق است و حتی موردی در عراق پیدا نمی‌کنید که ایران در اقدام‌های تروریستی دست داشته باشد، اما شمار زیادی از شهروندان عرب در عراق به جرم اقدامات تروریستی دستگیر شده‌اند، باید منصفانه برخورد کنیم و هیچ کسی در عراق مداخله نکند و به مردم عراق اجازه دهیم که آن گونه که خود می‌خواهند درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرند.

– ما در امور عراق دخالت نمی‌کنیم و خواهان آن هستیم که ملت عراق سرنوشت خویش را به دست خود رقم بزند و ما تنها از شیعیان حمایت نمی‌کنیم، زیرا با وجود اینکه مردم بوسنی و فلسطین را اهل تسنن تشکیل می‌دهند، اما ایران از آنها حمایت کرده است.

و پدیدهٔ قتل عام‌ها توسط جوخه‌های مرگ و ملیشاه‌ها و چیزهایی از این قبیل که پشت سر آنها تعصبات مذهبی شناخته شده‌ای قرار دارد، این مسأله‌ای محوری است عده‌ای مردم را از خانه‌ها و اماکن سکونتشان از سرزمینی که در آن به دنیا آمده و خود و اجدادشان از زندگی کرده‌اند بیرون می‌کنند، مساجد بسیاری را زور از صاحبانشان غصب شده اند، هر چند حسینیه‌هایی نیز اینچنین شده‌اند، اما در مقایسه با مساجد غصب شده اند کم اند؛ اگر می‌خواهیم صریح و بی پرده سخن بگوییم باید آن موارد را مورد توجه قرار بدهیم.

موضوع دیگر این است که ما با تجزیهٔ ممالک اسلامی به شدت مخالفیم، زیرا قدرت‌هایی که با اسلام دشمنی می‌ورزند، برای تقسیم و تجزیهٔ سرزمین‌های ما طرح و برنامه دارند، پاره پاره کردن آنها را در دستور کار خود قرار داده اند، منظوم تجزیهٔ کلی نیست، بلکه تجزیهٔ محلی و منطقه‌ای است، برای مثال می‌خواهند عراق، سوریه و مصر را به چندین کشور کوچک تقسیم نمایند؛ این موضوع به هیچوجه پذیرفتنی نیست، عراق همچنان به صورت کشور و مردمی یکپارچه باید بماند، لازم است از یکپارچی این ملت پاسداری شود، و تمامی طرح‌ها و برنامه‌های تقسیم کنندهٔ عراق و دیگر کشورهای اسلامی را مردود و محکوم می‌شماریم.

به همین مقدار بسنند می‌کنم و فرست را برای طرح پرسش‌ها از طرف برادر محترم استاد احمد در اختیار ایشان قرار می‌دهم.



مجری: با تشکر از استناد یوسف قرضاوی، اکنون به طرح پرسش‌های بسیاری که از قبل آماده کرده‌ام می‌پردازم، اما به خاطر سپهری شدن بخشی از وقت ناچارم از تعدادی از پرسش‌ها صرف نظر کنم. قبل از طرح اولین سؤال از شیخ رفسنجانی این پرسش را دارم که آیا جواب‌هایتان به پرسش‌های ما بیان دیدگاه شخصی شماست یا اینکه دیگر مراجع و مسئولین نیز با شما هم عقیده هستند؟ این را به خاطر آنکه ببیندگان متوجه موضوع باشند می‌پرسم، لطفاً خیلی کوتاه پاسخ بدهید، تا به موارد دیگر بپردازیم.

هاشمی: طبعاً من از نگاه و دیدگاه خودم صحبت می‌کنم، اما می‌دانم در بسیاری از مسائلی که در این برنامه مطرح می‌کنم؛ بسیاری از علما در ایران با من هم عقیده هستند.

مجری: با تشکر از شما، بگذارید از اینجا آغاز کنیم؛ سخنان شیخ قرضاوی را در ارتباط با گردهمایی مکه، و عدم حضور مراجع بزرگ شیعه در آن اجتماع و خودداری ایشان از امضای معاهده، شنیدید، برخی بر این باورند که عدم حضور ایشان مانع پیشگیری از فتنهٔ موجود میان مسلمانان شد؛ موضوع دیگر، مسئلهٔ ناسزاگویی به اصحاب رسول خداست، سخنان جناب دکتر قرضاوی را شنیدید، شما چه می‌فرمایید؟

هاشمی: نظر من اینست که کارهایی که مردم عوام و افراطی‌های دو طرف انجام می‌دهند، نباید باعث ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بشود؛ همهٔ ما بر اساس دستور قرآن باید به حبل الله متوسل شویم و در برابر خطراتی که اُمت اسلامی را تهدید

می‌نماید، بر روی وحدت اسلامی مان اصرار بورزیم و مهمترین آن خطرات اسرائیل و صهیونیزم و استیکبار جهانی است، آنان بدر فتنه می‌باشند و برخی از کشورهای ما مسلمانان را اشغال کرده‌اند و این را مدتهاست که آغاز کرده اند و به دنبال تسلط بر منابع ما هستند، به همین سبب وظیفهٔ اُمت اسلامی است که جمعیتی حدود یک و نیم میلیارد را تشکیل می‌دهند و حدود ۶۰ کشور اسلامی داریم و در سازمان ملل از وزن قابل توجهی برخوردارند و نقاط استراتژیک و حساسی را در دنیا در اختیار دارند در واقع نقاط بسیار مهمی هستند. همچنین بهترین منابع را مانند انرژی که خداوند به آنان ارزانی داشته صاحب هستند و قرآنی را در اختیار داریم که ما را در زندگی مان راهنمایی می‌کند و همچنین از سنت پیامبر و سیرهٔ ائمه برخورداریم و علما و دانشمندان و دانشگاه‌ها و شخصیات فراوانی وجود دارند. به همین سبب اُمت اسلامی حق دارند قدرت بزرگی را تشکیل بدهند و از اُمت مسلمان دفاع نمایند.

ما به دنبال تعرض به دیگران نیستیم، بلکه هدف مان پاسداری از اسلام است؛ این هدف به وحدت نیازمند است. ما نمی‌خواهیم وارد پاره‌ای از مسایل فرعی بشویم که این چنین گفت و آن چنین گفت. ما در ایران خطبه‌ها و سخنرانی‌هایمان را با جملاتی همچون: «الحمد لله و الصلاه و السلاام علی رسول الله و آله و اصحابه» آغاز می‌کنیم. تقریباً تمامی خطبا و سخنران‌ها اینگونه سخن خود را شروع می‌کنند، ما شیعه‌ها در ایران به توحید و نبوّت و معاد ایمان داریم و هر انسانی این باورها را داشته باشد او را مسلمان می‌دانیم و در نتیجه جان و مال و حیثیت او مصون و محترم است؛ و به هیچ وجه نباید به حقوق و شخصیت چنین انسانی تعرض بشود، چنین کاری حرام است. هرچند گله مندی‌ها و ملامت‌هایی از دو طرف وجود دارد؛ اما این شرایط، شرایط ملامت و بازخواست نیست، ما باید دست به دست یکدیگر بدهیم و از هویت اسلامی خود دفاع کنیم.

مجری: بسیار کوتاه می‌گویم که: برخی از اهل سنت می‌گویند: «تا زمانی که برای دوری از سبب صحابه فتوایی(از طرف مراجع) صادر نشود، نباید چنین موضعگیری و سخنانی را جدی گرفت.»

هاشمی: کدام موضعگیری؟

مجری: موضعگیری در برابر توهین به اصحاب رسول (خداصل) احیاناً از طرف عوام شیعه، نمی‌گویم از طرف علما؟

هاشمی: بارها از طرف علمای اسلام و علمای شیعه این موضوع مطرح شده است، به ویژه از طرف مرحوم امام و اخیراً هم مقام رهبری در این ارتباط سخن گفتند، من بر این باورم که لازم است هر دو طرف به این ابتکار دست بزنند و علمای طرفین چنان فتوایی را صادر نمایند بر روی مسایل اختلاف برانگیز دست نگذارند، مسائلی که اگر مورد توجه قرار گیرند، عامل وحدت نخواهند بود؛ هیچگاه تفرقه سودی را عاید نخواهد کرد. و همانگونه که قرآن می‌فرماید: نزاع ما را دچار شکست خواهد کرد.(و لا تنازعو فتغشلاو و تذهب ریحکم) ما نمی‌خواهیم که اُمت اسلامی دچار ضعف شود، ما پیش از هر سخنرانی از آل و اصحاب پیامبر اسم می‌بریم، پس این مناقشات به خاطر چیست؟

مجری: به دوحه می‌رویم و با جناب دکتر قرضاوی همراه می‌شویم، جناب شیخ برای آنکه اهل انصاف باشیم باید یادآوری کنیم که: بعضی از شیعیان می‌گویند: عده‌ای از مسلمانان اهل سنت عملکردها و موضعگیری‌هایی دارند که نمی‌توانند برای در نطفه خفه کردن فتنه‌ها سازنده باشد. برای مثال آنان از مسألهٔ: هلال شیعی و فتواهای تکفیری از طرف برخی علما و پاره‌ای از مسئولین کشورهای اسلامی که حکم کفر اهل تشیع را صادر می‌کنند گله متندند، اگر شیعیان بر روی رویدادهای تاریخی اسلام انگشت می‌گذارند، اهل سنت نیز بر روی حوادثی تاریخی مانند اشغال بغداد (توسط هلاکو خان مغول) و ابن علقمی و نصیرالدین طوسی و … اشاره می‌کنند، این امور نیز در حد خود وارد کردن اتهام است. نظر شما چیست؟

دکتر قرضاوی: می‌توانم به نمایندگی از طرف تمامی اهل سنت بگویم که: ما رویدادهای تاریخی را پایه باورهای خویش قرار نمی‌دهیم، ما از تاریخ بهره می‌گیریم، اما آن را باری بر دوش خویش قرار نمی‌دهیم، و خود را اسیر آن نمی‌گردانیم، ما بر این باوریم که اگر شیعیانی بوده اند که در خطا رفته یا منحرف گردیده اند و حتی خیانت کرده اند، بار گناه آنان را بر دوش شیعیان معاصر قرار نمی‌دهیم، زیرا قرآن به صراحت می‌فرماید: «تلك امة قد خلت لهما ما کسبت و لکنم ما کسبتم.» ما در مورد اصحاب نیز همین باور را داریم، فرض کنیم که در میان اصحاب کسانی دچار اشتباه شده باشند، آنان اشخاصی بوده اند که اکنون نیستند، ما فرزند زمان خویش هستیم. در ارتباط با مسألهٔ تکفیر باید گفت که: تکفیر موضوعی دو جانبه شده است، اما مهم این است که بدانیم چه تعداد از اهل سنت شیعه را تکفیر می‌کنند، بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت به تکفیر متوسل نمی‌شوند، نباید فتوای تکفیر شیعه از طرف یکی دو نفر را بهانه قرار بدهیم.

آنچه در لبنان روی داد شاهد است که، اکثریت قاطع جهان اسلام از حزب الله حمایت کردند، زیرا امکان ندارد که در برابر حزب الله از اسرائیل جانبداری نمایند. اگر اینجا و آنجا فتوایی صادر می‌شود، به هیچ وجه نمایندهٔ رویکرد عمومی اهل سنت نیست، زیرا اگر بخواهیم مردمی را بازخواست کنیم لازم است بر روی رویکرد عمومی آن تأکید کنیم، رویکردی که بدور از چنین تکفیری است.

همچنان که گفتیم: ما در عرصهٔ تقرب دیدگاه و دور نمودن فتنه‌هایی که عامل بدترین پراکندگی هستند، باید به دیدگاه اهل اعتدال و میانه روهای دو مذهب تکیه نماییم.

مجری: بر این باورم که آقای هاشمی از اهل اعتدال و میانه روها هستند. اینک اجازه بدهید به موضوع دیگری بپردازیم، و آن این استست که وقتی یک شیعی سخن می‌گوید، بسیاری از اهل سنت می‌گویند که اهل تشیع به مسألهٔ تقیه اعتقاد دارند، چگونه می‌توانیم از صداقت آنچه که بر زبان می‌آورد مطمئن شویم؟ اجازه بدهید این سؤال را هم بپرسم و آن این است که آیا مراجع شیعه از روش تقیه بهره می‌گیرند و آن را تأیید می‌کنند؟ به خاطر آنکه دقیق تر سؤال را مطرح نمایم اجازه بدهید متن سؤال را بخوانم، آیا در ارتباط با روابط میان مسلمانان تقیه مطرح است، یا در موارد خاصی کاربرد دارد و در غیر آن جایز نیست؟



هاشمی: فکر می‌کنم این موضوع جزو همان چیزهایی است که دشمنان به آن دامن می‌زنند. اگر زندگی خردمندان و اشخاص و حکومت‌ها و کشورها را ملاحظه کنید، می‌بینید که اموری وجود دارند که انسان نمی‌خواهد آنها را بر ملا کند، از جنبهٔ قانونی هم می‌دانیم پاره‌ای از استناد وجود دارند که تنها بعد از سیری شدن مذت زمانی کشف آنها جایز است، این معنای خردمندانهٔ تقیه است.طوری نیست که بشود برای هر انسانی همهٔ آن چیزی را که می‌خواهد و یا در آن مصلحت نمی‌داند، مطرح کند، اما تقیه‌ای که شیعه به ما باور دارد، بر گرفته از خود قرآن و اسلام است، یعنی ما نباید اسرار مسلمانان را برای غیر مسلمانان افشاء کنیم، حتی در بین خود شیعه نیز برخی از مسایل مطرح نمی‌شوند، زیرا در هر حکومت و هر کشوری مسائلی سزی وجود دارند، و هیچکس اقدام به افشای آنها نمی‌کند. سادگی است اگر مفهوم تقیه را به تحرکات سزی نادرست تفسیر کنیم. تقیه‌ای که ما باور داریم موضوعی عقلاانه است و در میان شیعه و سنی و تمامی حکومت‌ها وجود دارد.

مجری: در این صورت تقیه دارای حکم مخصوص به خود است، پیش از انتقال به دوحه به طرح پرسش متقابل می‌پردازم.گفته می‌شود که برای شیعه نمودن اهل سنت یا سنی کردن شیعه فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. نظر شما در این رابطه چیست؟ زیرا اعتراضاتی در مورد تلاش‌های ایران برای شیعه نمودن تعدادی از مردم در کشنورهایی که صرفاً اهل سنت هستند انجام می‌گیرد. تا این موضوع را برای ببیندگان روشن کنیم و نگرانی‌های درونی را بزداییم.